

قانون آینده و آینده قانون (۲)

(جهانی شدن و قانون؛ تزه‌ای ده‌گانه)

کد موضوعی: ۳۳۰

شماره مسلسل: ۱۴۲۲۱

تیرماه ۱۳۹۴

دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده.....
۵.....	مقدمه.....
۹.....	تزیینات ده گانه.....
۲۱.....	نتیجه گیری.....
۲۲.....	منابع و مأخذ.....



قانون آینده و آینده قانون (۲) (جهانی شدن و قانون؛ تزه‌های ده‌گانه)

چکیده

این گزارش تزه‌های ده‌گانه دیدگاه جهانی شدن را در مورد راه‌های به چالش کشیدن بعضی از دیدگاه‌های گسترده - البته نه جهان‌شمول - راجع به سنت‌های قانون دانشگاهی و گفتمان حقوقی غرب ارائه می‌کند. در این گزارش ویلیام توینینگ^۱ به ارائه تزه‌های ده‌گانه درباره شیوه‌هایی می‌پردازد که به وسیله آنها رویکرد جهانی در خصوص قانون و تکامل آن، تعدادی از پیش‌فرض‌های رایجی را به چالش می‌کشند که این پیش‌فرض‌ها شالوده و زیربنای سنت‌های قانون دانشگاهی و گفتمان قانونی غربی را تشکیل می‌دهند.

تزه اول در مورد تعمیم‌های جهانی در خصوص قانون است. نویسنده در این تزه اعتقاد دارد ما مفاهیم و تعمیم‌های شواهدمحور معتبری در خصوص مطالعه قانون در جهان به عنوان یک کل نداریم. دومین تزه این است که تصویر قانون نمی‌تواند به‌طور معقول به قانون داخلی دولت و قانون بین‌المللی کلاسیک غربی منحصر و محدود شود.

۱. William Twining: پروفیسور افتخاری فلسفه حقوق کالج دانشگاه لندن.

تزو سوم در بحث جهانی شدن و ارتباط آن با قانون مربوط به الگوهای منطقه‌ای قانون است. بحث این است که امروزه تعداد بسیاری از مهمترین الگوهای مرتبط با قانون، منطقه‌ای‌اند. در جهان میراث تاریخی کشورهای متعدد به‌طور فزاینده توسعه قانون رسمی و اشکال دیگر قانون را در سی سال آینده تحت تأثیر قرار خواهند داد.

تزو چهارم جهانی شدن و قانون، پلورالیسم یا تکثرگرایی حقوقی است. به باور نویسندگان، پلورالیسم حقوقی یک واقعیت اجتماعی در کل جهان است. پلورالیسم هنجاری و حقوقی در تمامی سطوح احکام و انتظام‌ها، نه تنها در درون کشورهای مشخص - بلکه همچنین در شرکت‌های فراملی، فراملیتی، ملی، ناحیه‌ای، شبکه‌ای، اجتماعی و غیره - اتفاق می‌افتد. پلورالیسم حقوقی، سؤالاتی در زمینه سیاستگذاری پیچیده در مورد تشخیص، صلاحیت قضایی و انسجام ارائه می‌کند.

پلورالیسم حقوقی و حاکمیت قانون، تز پنجم جهانی شدن و قانون است. نویسندگان حوزه حقوقی و علوم اجتماعی در مورد پلورالیسم حقوقی از تمرکزگرایی دولتی به شدت انتقاد می‌کنند. البته فرآیندی وجود دارد که فرض می‌گیرد دولت مستقل تنها منبع قانونی اقتدار حقوقی و قدرت‌مندترین، کارآترین، تکنیکی‌ترین شکل حکمرانی است. بسیاری از این حوزه‌های فکری و قانون «آینده اسناد»^۱ صریحاً روی قانون داخلی و قانونگذار ملی متمرکزند.

۱. پس از انجام آینده‌پژوهی و پیش‌بینی قوانین مورد نیاز در آینده، نتایج حاصله تبدیل به اسناد آینده‌پژوهی می‌شوند که براساس این اسناد آینده‌قوانینی وضع خواهند شد.



اشاعه قانون، تز ششم موضوع جهانی شدن و قانون است. پذیرش دیدگاه جهانی، فراگیری و پیچیدگی اشاعه ایده‌های حقوقی را نمایان می‌سازد. در سرتاسر تاریخ دیده شده که سنت‌های حقوقی با هم تعامل داشته و بر یکدیگر اثر گذاشته‌اند.

قانون سطحی، تز هفتم موضوع جهانی شدن و قانون است. سنت‌های دانش حقوقی غربی به‌طور فزاینده‌ای دکترین‌محور و متن‌محورند و آنها به‌طور اساسی چیزی راجع به پدیده سطحی به ما می‌گویند. به‌طور نوعی آنها خیلی کم درخصوص اینکه یک اصل مشخص، مقررات یا قانون چگونه تفسیر، تعدیل، عمل، اجرا، اعمال، به‌کار گرفته، دستکاری یا نادیده گرفته خواهند شد، به ما می‌گویند یا بعضی اوقات اصلاً چیزی به ما نمی‌گویند.

تز هشتم جهانی شدن و قانون مربوط به پلورالیسم اعتقادی است. ارتباط نزدیک با الگوهای حقوقی - بومی و منطقه‌ای واقعیت اجتماعی پلورالیسم اعتقادی است. در سنت‌های غربی مبتنی بر گرایش‌های نیرومند جهان‌گرایی اخلاقیات وجود دارند که باید با واقعیت‌های اجتماعی نظام اعتقادی، جهان‌بینی‌ها، ارزش‌های فرهنگی، ایدئولوژی‌های مختلف مواجه گردند.

عصر عرفی شدن، تز نهم مبحث جهانی شدن و قانون است. نویسندگان بر این باور است که امروزه باید در مورد ظهور یک عصر جهانی شدن محتاط باشیم. زیرا نظام‌های اعتقادی متفاوت، از جمله مذاهب، دکترین‌هایی دارند که به راه‌ها و روش‌های مختلف تساهل را حمایت می‌کنند، باید هنوز به راه‌حل‌های قابل اجرا برای مسائل هم‌زیستی و تعاون امیدوار باشیم، اما این راه‌حل‌ها نمی‌توانند صرفاً و یا حتی اساساً مبتنی بر ایده‌های غیرمذهبی (سکولاریسم) مرتبط با عصر روشنگری باشند.

آخرین تز از تزه‌های دهگانه جهانی شدن و قانون، قوم‌مداری است. قوم‌مداری طرحی از ایده‌هاست که از فرهنگ و زمینه متعلق به خود، در مقایسه با فرهنگ‌های دیگر به وجود می‌آید. سنت‌های قانون دانشگاهی و عمل حقوقی غربی که بر قوانین محلی جوامع ما متمرکز شده‌اند، توجه بسیار محدودی نسبت به فرهنگ‌ها و سنت‌های حقوقی غیرغربی نشان داده‌اند.

ویلیام در پایان به این نتیجه می‌رسد که پذیرش دیدگاه جهانی، چالش‌های متعددی را برای بعضی فرض‌های جهان‌گستر سنت‌های دانش حقوقی و کنش حقوقی غربی برجسته می‌کند. دیدگاه جهانی می‌تواند به ما کمک کند تا تنوع و پیچیدگی نظام‌های روابط انسانی منظم را تشخیص دهیم و ما - اساساً بخشی از داوران غربی - نمی‌توانیم راه‌حل‌های تجویزی خودمان را برای مسائل جهانی دیکته کنیم.^۱

در پایان لازم به یادآوری است که این گزارش برگرفته شده از کتاب «قانون آینده و آینده قانون» است. از آنجا که متن کتاب به لحاظ تخصصی بودن قدری دشوار به نظر می‌رسد، لذا توجه بیشتر خوانندگان را طلب می‌کند تا با موضوع هر تز ارتباط مفهومی و معنایی برقرار کنند.^۲

۱. گزارش قانون آینده و آینده قانون، تأملی نو در قانون‌پژوهی است که انتشار متن حاضر نه به منظور تأیید که آشنایی اجمالی با ادبیات مفهومی آن است.

2. The Law of the Future and Future of Law: Torkel Volume II Opsahl Academic Epublisher the Hague, 2011.



بعضی‌ها در دوران جوانی، به خاطر غرور و خودبینی بچه‌گانه، زیاده‌روی‌هایی داشته‌اند. این موضوع دو مطلب را در مورد چگونگی تفکر و بینش ما بیان می‌کند:

اول اینکه بسیار ساده است که جهان را با واژه‌های هم‌مرکز که به‌طور منظم در سلسله‌مراتب جداگانه‌ای همچون جهانی، ملی، استانی، محلی، و... قرار گرفته‌اند، سازماندهی کنیم.

دوم اینکه بچه‌ها ممکن است فکر کنند که مرکز جهان جایی است که یک اتفاق روی می‌دهد. اگر چه احتمالاً مرکزی برای پدیده‌ها و موضوعاتی که در حال بحث کردن در مورد آنها هستیم، وجود ندارد.

این گزارش پیشنهاد می‌کند زمانی که در مورد آینده قانون از یک منظر جهانی فکر می‌کنید، لازم است بکوشید چنین سهولت‌هایی را رها کنید. به‌طور خلاصه من به دور از هر اظهار تحریک‌آمیزی، تزه‌های دهگانه‌ای را پیشنهاد می‌کنم که فرض‌های شایع گفتمان غربی و دانشگاهی در مورد قانون را به چالش می‌کشند. بعضی از ادبیات اخیر در مورد جهانی‌شدن و قانون از جمله حوزه‌های فکری^۱ که برای مؤسسه هاگ^۲ در کنفرانس بین‌المللی کردن قانون (هیل)^۳ در سال ۲۰۱۱ ایجاد شدند، اذعان می‌کنند که در حال دور شدن از این فرض‌ها به‌سر می‌برند، اما رهبران فکری ما هنوز خودشان را از بند آنها آزاد نکرده‌اند.

-
1. Think Pieces
 2. The Hague Institute
 3. HiiL

کادر ۱: تزه‌ای دهگانه

۱. ما در مجموع برای ایجاد تعمیم‌های شواهدمحور معتبر در مورد قانون در جهان به عنوان یک کل، مفاهیم، فرضیه‌های خوب تدوین شده و داده و اطلاعات معتبر نداریم.
۲. ما به مفاهیم قانون غیررسمی قابل استفاده‌ای نیازمندیم که ما را قادر می‌سازند بین قانونی و غیرقانونی، تفکیک‌هایی متناسب با زمینه قائل شویم. ما نباید توقع داشته باشیم که چنین مفاهیمی اعتبار علمی بسیاری داشته باشند.
۳. تعداد بسیاری از الگوهای مهم مرتبط با قانون، منطقه‌ای‌اند.
۴. پذیرش مفهوم قانون غیررسمی منجر به تأیید پلورالیسم حقوقی به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی تلقی می‌شود.
۵. بزرگ جلوه‌دادن پلورالیسم حقوقی خطرناک است. بسیاری از احکام غیررسمی، ظالمانه، غیرمنصفانه، بی‌کفایت، تحریف شده و ناسازگار با آرمان حاکمیت قانون‌اند.
۶. الگوهای انتشار قانون بسیار پیچیده‌تر از آنند که معمولاً فرض می‌شوند.
۷. از آنجا که گفتگوها و ادعاها در مورد گسترش، همسانی و همگرایی قوانین موضوع‌محورند، آنها اساساً در مورد پدیده‌های سطحی با ما صحبت می‌کنند.
۸. از یک منظر جهانی، در عصر جنبش مذهبی و پلورالیسم اعتقادی زندگی می‌کنیم. صحبت کردن در این باره به عنوان یک دوران سکولار، گمراه‌کننده و خطرناک است.
۹. یکی از چالش‌های اساسی که نسل انسان در وضعیت وابستگی متقابل فزاینده با آن روبرو می‌شود این است که چگونه نهادها، فرآیندها و احکامی را بسازیم که همزیستی و تعاون در بین مردم و گروه‌ها با ارزش‌ها و جهان‌بینی‌های بسیار متفاوت را ارتقا دهد.
۱۰. سنت‌های قانون دانشگاهی غربی در برابر متهم‌شدن به مسائل قوم‌مداری آسیب‌پذیرند.

ابتدا با واژه‌ای به نام «جهانی‌شدن» شروع می‌کنم. اجازه دهید دو استفاده از این

واژه که یکی وسیع و گسترده و دیگری محدود است را از هم جدا کنیم:



اول: جهانی‌شدن اقتصاد نوعاً در ارتباط با افزایش سلطه یک اقتصاد جهانی واحد مورد قبول عام از طریق نیروها، نهادها و ایدئولوژی سرمایه‌داری بازار آزاد مطرح می‌شود. این سلطه اکنون به چالش کشیده شده است. جهانی‌شدن در این معنای محدود عاملی است که «نهضت ضد جهانی‌شدن» در مقابل آن واقع شده است.

دوم: دیدگاه وسیع‌تر آن است که «جهانی‌شدن» به فرآیندهای پیچیده افزایش تعامل و وابستگی مربوط به تمامی ارتباطها و وضعیت‌های انسانی مانند آب و هوا، ارتباطات، حمل‌ونقل، بیماری، جنگ، امنیت، مهاجرت، جرم، حاکمیت و سرگرمی دلالت دارد. از این منظر، گستره «جهانی‌شدن» لزوماً به فرآیندهایی اساساً جهانی محدود نشده است و به‌منظور دربرگرفتن نمونه‌های بیشتری از تعامل و وابستگی فراینده فراملی گسترش یافته که کاملاً از لحاظ جغرافیایی محدود شده است. برای مثال فتوای مسلمانان در انگلیس از طریق ایمیل، حمله به کشتی‌های گشت‌زنی توسط دزدان دریایی یا ماجرای ویکی‌لیکس،^۱ تا حدودی به «جهانی‌شدن» منسوب شده است. اینجا من دیدگاه وسیع‌تر را قبول می‌کنم، اما در مورد استفاده واژه «جهانی» در ارتباط با پدیده‌هایی که کوچک‌تر از سطح جهانی‌اند، محتاط خواهم بود. برای مثال از وکلای جهانی، شرکت‌های حقوقی جهانی، آموزش حقوق جهانی، احکام حقوق جهانی صحبت نخواهم کرد، اما تنها در مورد قانون جهانی با تردید صحبت خواهم کرد.

در حال حاضر و در آینده تمام اصلاح‌طلبان، وکلا و دانشمندان حقوق لازم است معانی و استنباط‌های جهانی‌شدن را برای کارشان در نظر بگیرند. پذیرش یک دیدگاه جهانی اساساً نه با در نظر گرفتن مسائل جهانی، بلکه با ساختن دیدگاه‌های وسیع و

تنظیم یک زمینه برای تحقیقات ویژه می‌تواند مفید باشد. با وجود این، دیدگاه جهانی محدودیت‌هایی را در ارتباط با مسائل عملی روشن می‌کند.

در جایی دیگر من بعضی فرض‌های گفتمان اصلی سنت‌های قانون دانشگاهی غرب را شناسایی کرده‌ام که به وسیله اتخاذ یک دیدگاه جهانی واقعی به چالش کشیده شده‌اند. این فرض‌ها شایع‌اند، اما جهان‌شمول نیستند.

در اینجا تزهای دهگانه به‌طور گزینشی به پنج فرضی می‌پردازند که به‌طور ویژه با متن حاضر مرتبطند.

کادر ۲. فرض‌ها در سنت‌های غربی قانون دانشگاهی^۱

سنت‌های قانون دانشگاهی غربی؛ بعضی فرض‌های ساده

الف) این قانون دو نوع اصلی حاکمیت را در نظر می‌گیرد: قانون داخلی و قانون بین‌المللی عمومی (به‌طور سنتی به‌عنوان حاکمیت ارتباط بین دولت‌ها تصور می‌شود).

ب) دولت-ملت‌ها، اجتماعات و نظام‌های حقوقی بسیار بسته و دارای هویت‌های مستقل‌اند که به‌صورت مجزا می‌توان آنها را مطالعه کرد.

ج) قانون مدرن و علوم قضایی مدرن سکولارند و اکنون به میزان فزاینده‌ای از ریشه‌های فرهنگی-تاریخی‌شان در سنت یهودی - مسیحی مستقلند.

د) قانون دولتی مدرن، برای اجرای عملکردهای مشخص و ارائه خدمات به‌عنوان وسایلی برای دستیابی به اهداف اجتماعی ویژه، اساساً بوروکراتیک-عقلانی و ابزاری است.

ه) این قانون با این نقطه نظر که استفاده‌کنندگان، مصرف‌کنندگان، قربانیان و دیگر اشخاص حاشیه‌ای از طریق دیدگاه «از بالا به پایین» حکمرانان، مقامات رسمی، قانونگذاران و نخبگان

1. William Twining, *General Jurisprudence: Understanding Law from a Global Perspective*, Cambridge University Press, Cambridge, 2009, pp. 5-6.



بهتر درک می‌شوند.

و) موضوعات اصلی حاکمیت قانون، به جای مطالعه تجربی واقعیت‌های اجتماعی، ایده‌ها و هنجارهایند.

ز) قانون دولتی مدرن اغلب و به‌طور مشخص یک دستاورد شمالی (اروپا / انگلیس - آمریکا) است که در اکثر جهان از طریق استعمارگری، امپریالیسم، سنت و تأثیرات پسااستعمارگری اخیر اشاعه می‌یابد.

ح) مطالعه سنت‌های حقوقی غیرغربی یک بخش بی‌اهمیت و حاشیه‌ای از قانون دانشگاهی غربی است.

ط) ارزش‌های اساسی تشکیل‌دهنده قانون مدرن کلی‌اند، اگرچه مباحث فلسفی آن گوناگون است.

به‌طور خلاصه در قرن بیستم و قبل از آن، فرهنگ حقوقی دانشگاهی غربی تمایل داشت که دولت‌محور، به‌صورت محلی تمرکز یافته، سکولار، اثبات‌گرا، «از بالا به پایین»، شمال‌گرا، غیرتجربی و در خصوص اخلاق جهان‌شمول‌گرا باشد.

البته تمام این تعمیم‌ها در واقع خام و ناپخته و استثنائی‌اند و هیچ‌یک از آنها در سنت حقوقی غربی به چالش کشیده نشده‌اند و تقریباً تمام موضوعات پیرامون درصد و سهم بالایی از برنامه مجادله‌آمیز علم حقوق مدرن غربی را تشکیل می‌دهند. با این حال در یک سطح عمومی این «نمونه آرمانی» ساده در جایی که ایده‌ها و فرض‌ها به‌طور تصاعدی در حال به چالش کشیده شدن هستند، بعضی نکات قاطع را برجسته می‌کند.

تزه‌های ده‌گانه

تز اول - تعمیم‌های جهانی در خصوص قانون

بینش جهانی شدن ما را تشویق می‌کند تا یک دیدگاه جهانی گسترده را به جای نقطه‌نظرهای وسیع و تصورات کلی بپذیریم. با این حال همچنین ما را ترغیب می‌سازد تا

تعمیم‌هایی فراسوی ظرفیت و توانایی‌مان در زمینه قانون انجام دهیم. در مجموع، برای ایجاد تعمیم‌های شواهدمحور معتبر بسیاری - از ما - در مورد قانون در جهان به‌عنوان یک کل، مفاهیم، فرضیه‌های خوب تدوین شده و داده و اطلاعات معتبر نداریم.

موضوع اصلی نوشته‌های اخیر عبارتند از: اطلاع و آگاهی از تعمیم‌ها و مقایسه‌های کذب، گمراه‌کننده، اغراق‌آمیز، مصنوعی و ساختگی و همچنین تعمیم‌ها و مقایسه‌های قوم‌مدارانه و تبعیض‌آمیز، بی‌معنا و اغواکننده و تقلیل‌گرا راجع به پدیده‌های حقوقی یا تلفیقی از این مواردند.

یک دلیل و تصدیق ساده و جزئی راجع به توانایی محدود ما برای تعمیم‌دهی در خصوص قانون در جهان به‌عنوان یک کل وجود دارد. مفاهیم، فرضیه‌ها و داده‌ها و اطلاعات و دیگر وسایل و ابزار لازم را نداریم. زیرا - تنها با کمی استثنا - در دو قرن گذشته یا بیشتر، سنت‌های عمل حقوقی و قانون‌دانشگاهی غربی ما اغلب و به‌طور ویژه روی قوانین و حقوق داخلی دولت‌های ملی حاکم و مستقل صنعتی یا در حال صنعتی متمرکز بوده‌اند.

برای مثال اغلب و کلاً اخیراً به کارکردن در یک کشور مجزا یا بعضی اوقات در بخشی از یک کشور یا ناحیه مانند انگلیس و کالیفرنیا محدود شده‌اند. گفته‌ام که امتحانات وکلای فلوریدا بدون وجود ماده‌ای از قانون بین‌المللی و خارجی، هنوز بر قانون فدرالی و قانون فلوریدا متمرکز است. با وجود این می‌امی، یک جهان‌شهر فوق‌العاده است و آرزو دارد نه تنها «پایتخت آمریکای لاتین»، بلکه مرکز اصلی فعالیت مالی و تجاری منطقه‌ای و فراملی باشد.



به همین نحو، تقریباً تمام گرایش‌های عمده نظریه‌پردازان حقوقی غربی - بنتام،^۱ وبر،^۲ کلسن،^۳ هارت،^۴ راز،^۵ راولس^۶ و دورکین^۷ همچنین فلاسفه شکاکی مانند لگراند^۸ و دانکن کندی^۹ - اغلب و خصوصاً روی نظام‌های حقوقی دولتی و داخلی متمرکز شده‌اند. از استثناهای مهم، تلاش‌های متزلزلی است که برای سازگار کردن و وفق دادن قانون بین‌المللی عمومی صورت گرفته و تلاش بعضی از نظریه‌پردازان اصلی پلورالیسم حقوقی مانند سانتی رومانو^{۱۰}، الریش^{۱۱} و هارولد برمن^{۱۲} است. حوزه‌های فکری کنفرانس ۲۰۱۱، شواهد و مدارک بسیاری از چگونگی تغییرات به وجود آمده در نظریه و دانش حقوقی در طول ۱۵ سال گذشته یا بیشتر فراهم کرده است: در میان موضوعات برجسته، فاسد شدن و تضعیف حق حاکمیت، حقوق بشر، شرکت‌های چندملیتی یا ناحیه‌ای، همچنین حکومت چندلایه، قانون‌گرایی داخلی و نسبی، تجزیه قانون بین‌المللی و ظهور گُنشگران جدید در صحنه جهان از این مواردند.

-
1. Bentham
 2. Weber
 3. Kelsen
 4. Hart
 5. Raz
 6. Rawls
 7. Dworkin
 8. Legrand
 9. Duncan Kennedy
 10. Santi Romano
 11. Ehrlich
 12. Harold Berman

تز دوم - قانون غیررسمی

دومین تز من این است که اگر کسی دیدگاه جهانی را بپذیرد، تصور از قانون نمی‌تواند به‌طور ملموس به یک تصور از قانون داخلی و ست‌فالین^۱ و قانون بین‌المللی کلاسیک که متکی به روابط میان دولت‌های حاکم و مستقلند، محدود باشد. این تصور و بینش خیلی محدود است. یک تصور از قانون در جهان این است که به سادگی قانون مذهبی، قانون عرفی، قانون تجارت فراملی، اشکال جدید نظم فراملی و منطقه‌ای و اشکال مختلف «قانون نرم» را در سطوح متفاوت نادیده می‌گیرد. به مفاهیم قابل استفاده‌ای از قانون غیررسمی نیازمندیم که ما را قادر سازد متناسب با زمینه، بین قانونی و غیرقانونی تفکیک و تمایز قائل شویم. فهم اخیر نیل مک‌کورمیک^۲ از قانون به عنوان نظم نهادینه هنجاری، حذف برداشت رادیکال تاماناها^۳ از فهم هارت از قانون، اصلاح برداشت خود من از نظریه کارهای قانون کارل لولین^۴ در چارچوب "کارکردگرایی ضعیف"^۵، همگی ادعاهایی برای انجام این کارند. با این حال نباید هیچ‌گونه توقعی برای انجام کارهای بیشتر از فهم قانون داشته باشیم.

-
1. Westphalian
 2. Neil MacCormick
 3. Brain Tamanaha
 4. Karl Llewellyn
 5. Thin Functionalism



تذ سوم - الگوهای منطقه‌ای قانون

تعداد بسیاری از مهمترین الگوهای مرتبط با قانون منطقه‌ای با استعاره‌های زمین‌شناسی و هندسی مانند دایره‌های هم‌مرکز، سلسله‌مراتب عمودی، افقی یا متقاطع مطابقت ندارند. میراث ما از قانون بسیار آشفته‌تر از اینهاست.

بسیاری از الگوهای ارثی ما از قانون، در جهان با امپراتوری‌ها، اجتماعات پراکنده، اتحادها و پیمان‌ها، گستردگی زبانی، موانع تجاری، مسیرهای تجارت و سنت‌های حقوقی در ارتباطند.

تفکر جهان اسلام، امپراتوری بریتانیا (و بقایای شگفت‌انگیز، کشورهای مشترک‌المنافع)، سازمان معاهده آتلانتیک شمالی،^۱ اتحادیه ملت‌های جنوب شرق آسیا،^۲ سازمان کشورهای صادرکننده نفت^۳ و قانون مدنی جهان منطقه‌ای‌اند. عده‌ای از آنها پیوستگی و همجواری جغرافیایی دارند و بعضی نه. ارتباط‌های درونی و بیرونی‌شان پیچیده است. آنها به روش‌های بسیار متفاوتی با هم منطبقند، هم‌پوشانی دارند یا از هم جدایند. ما از انگلیسی به‌عنوان زبان جهانی نام می‌بریم یا جهان عربی یا جهان اسلام نیز همین‌طور. همچنین ما در مورد جام جهانی کریکت یا بازی‌های جهانی بیسبال صحبت می‌کنیم. اینها صرفاً ظاهری‌اند. هیچ‌یک از اینها اساساً جهانی نیستند و به روش‌های فزاینده‌ای غیرمتمرکز و محلی شده‌اند. این میراث تاریخی به طور فزاینده‌ای توسعه قانون رسمی و اشکال دیگر قانون را در سی سال آینده تحت تأثیر قرار خواهد داد.

1. NATO
2. ASEAN
3. OPEC

تز چهارم - پلورالیسم حقوقی

پذیرش مفهوم قانون غیررسمی منجر به پذیرش پلورالیسم حقوقی به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی نه فقط در مکان‌های دور از هم، بلکه در هر کشوری در اروپا و غرب می‌شود. پلورالیسم هنجاری و حقوقی در تمامی سطوح احکام و انتظام‌ها، نه تنها در درون کشورهای مشخص - بلکه همچنین در شرکت‌های فراملی، فراملیتی، ملی، ناحیه‌ای، شبکه‌ای، اجتماعاتی و غیره - اتفاق می‌افتد.

پلورالیسم حقوقی طرح و برنامه‌ای از مسائل را به لحاظ مفهومی، تجربی و هنجارمندانه از جمله سؤالاتی در زمینه سیاستگذاری پیچیده در مورد تشخیص، صلاحیت قضایی و انسجام ارائه می‌کند.

تز پنجم - پلورالیسم حقوقی و حاکمیت قانون

نویسندگان حقوقی - اجتماعی در مورد پلورالیسم حقوقی انتقاد شدیدی از «تمرکزگرایی دولتی» به راه انداختند، روندی که فرض می‌گیرد دولت (ملت) مستقل تنها منبع قانونی اقتدار حقوقی و قدرتمندترین، کارآترین، تکنیکی‌ترین شکل حکمرانی است. بسیاری از این حوزه‌های فکری و قانون اسناد آینده صریحاً روی قانون داخلی و قانونگذار ملی متمرکزند. حتی دانشمندان پلورالیسم حقوقی فاصله گرفتن از اشکال (غالباً دقیق) تفکر دولت‌محور را دشوار می‌دانند. با این حال خطری در بزرگنمایی و آرمانی جلوه‌دادن پلورالیسم حقوقی وجود دارد. پلورالیسم حقوقی یک واقعیت اجتماعی مهم است، اما بسیاری از احکام غیررسمی، ظالمانه، ناعادلانه، ناکارآ و فاسدند.



بعضی از مردم معتقدند بهترین امید و شاید تنها امید برای دستیابی و حفظ ارزش‌های دموکراتیک، حاکمیت قانون، حاکمیت خوب، حقوق بشر و بقایای عدالت توزیعی به عهده دولت‌های دموکراتیک لیبرال است. در جاهایی که دولت شکل غالب و اصلی حکومت نیست، چشم‌اندازها و انتظارات از حاکمیت قانون چه خواهد بود؟

تز ششم - اشاعه قانون

پذیرش دیدگاه جهانی، فراگیری و پیچیدگی اشاعه ایده‌های حقوقی را نمایان می‌سازد که بعضی اوقات به پذیرش و دریافت یا عمل پیوندی یا تعاملی دلالت دارد. در سرتاسر تاریخ، سنت‌های حقوقی با هم تعامل داشته و بر یکدیگر اثر گذاشته‌اند، بعضی اوقات به صورت یک‌جانبه و بعضی دیگر به طور دو طرفه یا با الگوهای پیچیده‌تر.

گاهی فرض شده است که عوامل اصلی پذیرش، دولت‌ها و مقامات مسئول عالیرتبه یا نخبگان حقوقی‌اند. برای مثال یک حاکم استعمارگر، نهادها و قانون‌های داخلی‌اش را بر مردم تحت سلطه تحمیل می‌کند یا ترکیه، اتیوپی و ژاپن به صورت اختیاری مدل‌ها و ایده‌های حقوقی صادر می‌کنند. به هر حال واضح است که فرآیندهای اشاعه بسیار پیچیده‌تر و متغیرتر از مدل‌های بومی پذیرش‌اند که پیشنهاد می‌شوند.

سنت‌های حقوقی مذهبی برای قرن‌ها بر هم اثر متقابل داشته‌اند؛ موقعیت و وضعیت حقوق بشر در آلمان می‌تواند بر حقوق بشر در بریتانیا از طریق استارسبورگ^۱ یا از طریق نوشته‌های حقوق‌دانان یا از طریق پایگاه اطلاعات و داده‌های حقوق بشر بین‌الملل تأثیر گذارند، افراد بومی در نیوزلند برای به رسمیت شناختن سکونت در

خانه‌های سنتی‌شان در حال کشمکش‌اند، اکنون کانادا و استرالیا به‌طور مستقیم با هم در ارتباطند، بعضی اوقات این ارتباط به وسیله شبکه‌های ارتباطی ایمیل روی می‌دهد. اینها نمونه‌های متعددی از جنبش‌های اجتماعی‌اند.

شاید مهمترین نمونه این است که مقامات مسئول عالیرتبه دولتی تنها عامل و حتی مهمترین عامل دگرگونی حقوقی نیستند: مهاجران، بازرگانان و مبلغان مذهبی قانون خودشان را با خود منتقل می‌کنند. قانون با نظامیان و کارگران دستی به این طرف و آن طرف می‌رود؛ ایده‌های حقوقی به‌طور فراملی به‌وسیله آموزش حقوقی و نوشته‌های علمی گسترش می‌یابند و قانون بیشتر به وسیله ادبیات و متون حقوقی اشاعه می‌یابد.

تذکره هفتم - قانون سطحی

پیچیدگی و فراگیری فرآیندهای اشاعه ایده‌های حقوقی یا قانونی نکات دیگری را نیز نمایان می‌سازند. اصطلاح برجسته و مهم از برونو لاتور، «هیچ حمل‌ونقل و جابجایی بدون تغییر و دگرگونی حاصل نمی‌شود» ممکن است که گزافه‌گویی باشد، اما هرگز نمی‌توانیم مطمئن باشیم که عوامل جابجا شده به همان صورت باقی مانده‌اند، یعنی چیزی که وارد می‌شود با عاملی که صادر می‌شود یکسان و مشابه است. این مسئله ممکن است به‌طور سطحی و ظاهری یکسان به‌نظر برسد، اما آیا این امر صرفاً یک تشابه سطحی است؟ این یکی از دلایلی است که نشان می‌دهد چرا مجبوریم در هنگام صحبت از همگرایی، همسانی و یگانگی قوانین محتاط باشیم.



پرسش‌هایی درباره زمان و چرایی مناسب بودن همگنی و یکسان‌شدن قانون وجود دارد؛ اما علاوه بر این ما باید قادر باشیم این مسئله را که آیا ادعاهای همگرایی و یگانگی تنها به پدیده‌های سطحی اشاره می‌کنند را ارزیابی کنیم. این موضوع اساساً درباره اطلاعات است.

متون حقوقی رسمی یا توافقنامه‌ها یا شرح و بیان دکترین‌ها به یکدست‌شدن گرایش دارند.

سنت‌های دانش حقوقی غربی به‌طور فزاینده‌ای دکترین و متن‌محورند؛ آنها به‌طور اساسی چیزی راجع به پدیده سطحی به ما می‌گویند. به‌طور نوعی آنها خیلی کم در خصوص اینکه یک اصل مشخص، مقررات یا قانون چگونه تفسیر، تعدیل، عمل یا اجرا، اعمال، به کار گرفته، دستکاری یا نادیده گرفته خواهند شد، به ما می‌گویند، یا بعضی اوقات اصلاً چیزی به ما نمی‌گویند. به‌طور خلاصه ما صرفاً از طریق اطلاعات فراهم آمده به‌وسیله متون حقوقی و شرح و بیان دکترین‌ها نمی‌دانیم که تا چه میزانی سنت‌های دانش حقوقی غربی در عمل متفاوتند بدون در نظر گرفتن دگرگونی در رفتارها و روابط اجتماعی، اقتصادی و سایر روابط. قانون سطحی قانونی نیست که صرفاً سطحی و ظاهری باشد.

قانون سطحی جنبه‌ای از قانون است که فقط در ظاهر نمایان است. با وجود این اطلاعات بعید است که بتوانیم از چگونگی تعامل قانون ظاهری با شرایط کنونی و چگونگی اجرای آن در عمل سخن بگوییم.

تذ هشتم - پلورالیسم اعتقادی

ارتباط نزدیک با الگوهای حقوقی بومی و منطقه‌ای واقعیت اجتماعی پلورالیسم اعتقادی است. گرایش‌های نیرومند جهان‌گرایی در سنت‌های غربی اخلاقیات - همان‌طور که به‌وسیله قانون طبیعی، کانت‌گرایی، فایده‌گرایی و بعضی از نسخه‌های نظریه حقوق بشر نشان داده شده‌اند - وجود دارند که باید با واقعیت‌های اجتماعی نظام اعتقادی، جهان‌بینی‌ها، ارزش‌های فرهنگی، ایدئولوژی‌های مختلف مواجه شوند. این مکانی برای وارد شدن به موضوعات فلسفی عمیق درباره جهان‌گرایی و نسبت‌گرایی و موضوعات پیچیده درباره ارتباط اعتقادات یا هویت نیست. با این حال، این مهم است که از سوگیری‌هایمان آگاه باشیم.

سنت‌های قانون دانشگاهی آمریکایی - انگلیسی و اروپایی ممکن است درباره ماهیت و مسائل پدیده‌های حقوقی در حیطه جغرافیایی خودشان کاملاً مطمئن و دلگرم باشند، اما وقتی آنها در سایر مکان‌ها یا در سراسر جهان به کار گرفته شوند، در برابر اتهام‌های قوم‌مداری و کوته‌فکری آسیب‌پذیر می‌شوند.

یکی از چالش‌های اصلی که نژاد انسانی در موقعیت وابستگی متقابل روزافزون آن روبرو شده، این است که چگونه نهادها، فرآیندها و مقرراتی را بسازیم که تعاون و همزیستی بین مردم و گروه‌ها با جهان‌بینی‌ها و ارزش‌های بسیار متفاوت را ارتقا دهیم؟

تذ نهم - عصر عرفی شدن

باید از صحبت کردن درباره یک عصر عرفی شدن (سکولار) محتاط باشیم، برای مثال، از عصری اذعان می‌کند که حقوق بشر اکنون تقریباً نوعی از بی‌دینی، حتی الحاد و



جانشینی برای الهیات لیبرال است. البته سکولار عمیقاً مبهم است. این واژه می‌تواند غیرمذهبی یا ضدمذهبی معنی دهد یا برای مثال می‌تواند در ارتباط با آزادی و تساهل و مدارای مذهبی، امری مستقل از مذهب یا فراتر از مذهب معنی دهد.

جمعیت‌شناسان مذهبی (برای مثال، فیلیپ جنکینز)^۱ از یک دیدگاه جهانی به ما می‌گویند، در حال تجربه‌کردن یک دوره از احیای مذهبی بوده و این امر از طریق مواردی از قبیل مهاجران غیرمسیحی در اروپا، مسیحیت در اوگاندا یا گسترش مذهب یوروبا^۲ در آمریکا نشان داده شده است.

در بعضی از قسمت‌های غرب به‌طور اساسی زوال مذهبی را تجربه کرده‌ایم و این امر کوتاه‌فکرانه یا حتی قوم‌مدارانه است که فکر کنیم این مسئله الگوهای جهانی را منعکس می‌کند.

از طرف دیگر، ایده دولت سکولار به‌عنوان دژ مستحکم تساهل مذهبی، انسجام‌بخش گروه‌هایی از مردم با نظام‌های عقیدتی متفاوت، ایده مهم و اساسی در دوره و عصر وابستگی متقابل و دوره مهاجرت است. قاطعیت نظریه حقوق بشر، مثالی برای روشن‌کردن این موضوع است.

همان‌طور که عبداللہی النعیم^۳ با فصاحت بحث کرده است؛ این اشتباه است که سعی کنیم ایده‌های حقوق بشر را صرفاً و حتی اساساً به عنوان دکترین غیرمذهبی

1. Philip Jenkins

2. Yoruba (گروه یا قومی که در مناطقی از آفریقای غربی زندگی می‌کنند)

3. Abdullahi an-naim

ترویج دهیم. اگر مسلمانان متقاعد شوند که رژیم حقوق بشر بین‌المللی برای آنهاست، مجبورند عدالت و حمایت قانون را در پایه‌های اسلامی پیدا کنند.^۱ از آنجا که نظام‌های اعتقادی متفاوت، از جمله: مذاهب، دکترین‌هایی دارند که به راه‌ها و روش‌های مختلف، تساهل را حمایت می‌کنند، باید هنوز به راه‌حل‌های قابل اجرا برای مسائل همزیستی و تعاون امیدوار باشیم، اما این راه‌حل‌ها نمی‌توانند صرفاً یا حتی اساساً مبتنی بر ایده‌های غیرمذهبی سکولاریسم مرتبط با عصر روشنگری ما باشند.

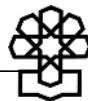
تز دهم - قوم‌مداری

قوم‌مداری طرحی از ایده‌هاست که از فرهنگ و زمینه متعلق به خود، در مقایسه با فرهنگ‌های دیگر به وجود می‌آید. زیرا این ایده‌ها جهانی فرض می‌شوند یا اساساً شبیه به آن یا پیشرفته‌تر از آن یا برتر از سایرین در نظر گرفته می‌شوند. قوم‌مداری ممکن است بیشتر مبتنی بر جهالت و نادانی باشد تا خودبینی.

سنت‌های قانون دانشگاهی و عمل حقوقی غربی که بر قوانین محلی جوامع ما متمرکز شده‌اند، توجه بسیار محدودی نسبت به فرهنگ‌ها و سنت‌های حقوقی غیرغربی نشان داده‌اند.

تعداد کمی از دانشمندان حقوقی که به قانون هندو، قانون آفریقا یا قانون اسلامی علاقه نشان داده‌اند- حداقل قبل از ۱۱ سپتامبر- به‌عنوان دانشمندان حاشیه‌ای، مرموز یا حتی نامتعارف تلقی شده‌اند.

۱. عدالت و قانون در متن اسلام و اندیشه‌های مسلمانان وجود دارد و اجباری برای پیدا کردن مبانی آن وجود ندارد. البته مفهومی کردن در عصر جدید نکته دیگری است.



البته اگرچه آنها به‌عنوان نمونه شرق‌گرایی در معرض اتهام به قوم‌مداری قرار گرفته‌اند، این اتهامات منصفانه نیستند. در مجموع ما- دانشمندان حقوق غربی- به‌طور گسترده و بنیادی درباره ایده‌ها و اعمال حقوقی غیرغربی و راجع به دغدغه‌ها و علایقی که زیربنای این اعمال حقوقی غیرغربی را تشکیل می‌دهند یا در خصوص زبان‌هایی که از طریق آن این اعمال حقوقی اظهار می‌شوند، بی‌تفاوت و بی‌اطلاع و بی‌توجهیم. ما نباید فرض کنیم که هیچ عاملی برای آموختن از سنت‌ها و فرهنگ‌های دیگر - مانند ایده‌های اسلامی در مورد اخلاق تجاری، ایده‌های کنفوسیوس^۱ در مورد هماهنگی و پاکدامنی رهبران و ایده‌های چانگ^۲ در مورد بوم‌شناسی - نداریم. بنابراین، آیا ما برای تجویز راه‌حل‌های جهانی واجد صلاحیت مناسب هستیم؟

نتیجه‌گیری

پذیرش دیدگاه جهانی، چالش‌های متعددی را برای بعضی فرض‌های جهان‌گستر سنت‌های دانش حقوقی و عمل حقوقی غربی ما برجسته می‌سازند. دیدگاه جهانی می‌تواند به ما کمک کند تا تنوع و پیچیدگی نظام‌های سازماندهی روابط انسانی در جهان را تشخیص دهیم و بدانیم که ما در مرکز آن یکه و بی‌نظیر نیستیم. هاگ^۳ مرکز جهان نیست و ما- اساساً بخشی از داوران غربی- نمی‌توانیم راه‌حل‌های تجویزی خود را برای مسائل جهانی دیکته کنیم. اگر چه ما می‌توانیم و باید

-
1. Confucian
 2. Chthonic
 3. Hague

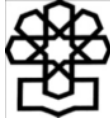
در مورد چگونگی تأثیر فرآیندهای پیچیده جهانی‌شدن روی شرایط و ایده‌هایمان بیان‌دیشیم و اینکه چگونه ما می‌توانیم پاسخ‌های قابل قبول و محکم را به موضوعات اساساً جهانی، فراملی به روی میز مذاکره بیاوریم. دیدگاه جهانی، دیدگاهی بی‌مکان نیست؛ بلکه ترجیحاً تمایل دارد دیدگاهی باشد که در همه جا بیشتر دیده شود.

منابع و مأخذ

1. An Na'im, Abdullahi, *Islam and the Secular State: Negotiating the Future of Shari'a*, Harvard University Press, Cambridge, MA, 2008.
2. Berman, Harold, *Law and Revolution: The Formation of the Western Legal Tradition*, Harvard University Press, Cambridge, MA, 1983.
3. Berman, Harold, *Law and Revolution II: The Impact of the Protestant Reformations on the Western Legal Traditions*, Harvard University Press, Cambridge, MA, 2003.
4. Benton, Lauren, *Law and Colonial Cultures: Legal Regimes in World History 1400–1900*, Cambridge University Press, Cambridge, 2002.
5. Buchanan, Allen, "Rawls's Law of Peoples: Rules for a Vanished Westphalian World", in *Ethics*, 2000, vol.110, no. 4.
6. Glenn, Patrick H., *Legal Traditions of the World: Sustainable Diversity in Law*, 4th ed., Oxford University Press, Oxford, 2010.
7. Jenkins, Philip, *The Next Christendom: The Coming of Global Christianity*, Oxford University Press, Oxford, 2007.
8. Latour, Bruno, *Aramis or the Love of Technology*, Harvard University Press, Cambridge, MA, 1996. Translated by Catherine Porter.
9. MacCormick, Neil, *Institutions of Law: An Essay in Legal Theory*, Oxford University Press, Oxford, 2007.



10. Muller, Sam, “The Law of the Future and the Future of Law”, in Sam
11. Muller et al. (eds.), *The Law of the Future and the Future of Law*, Torkel Opsahl Academic EPublisher, Oslo, 2011.
12. Muller, Sam et al., *Law Scenarios to 2030: Signposting the Legal Space of the Future*, The Hague Institute for the Internationalization of Law, The Hague, 2011.
13. Sen, Amartya, *The Idea of Justice*, Harvard University Press, Cambridge, MA, 2009.
14. Tamanaha, Brian, *A General Jurisprudence of Law and Society*, Oxford University Press, Oxford, 2001.
15. Tamanaha, Brian, Sage, Caroline and Woolcock, Michael (eds.), *Legal Pluralism and Development: Scholars and Practitioners in Dialogue*, Cambridge University Press, New York, 2012.
16. Taylor, Charles, *A Secular Age*, Harvard University Press, Cambridge, MA, 2007.
17. Twining, William, *General Jurisprudence: Understanding Law from a Global Perspective*, Cambridge University Press, Cambridge, 2009.
18. Twining, William, “Globalisation and Legal Literature”, in *Osgoode Hall Law Journal*, 2012 (forthcoming).
19. Twining, William, *Globalisation and Legal Scholarship (Montesquieu Lectures, 2009)*, Wolf Legal Publishers, Nijmegen, 2011.
20. Twining, William (ed.), *Human Rights: Southern Voices*, Cambridge University Press, Cambridge, 2010.
21. Twining, William, “Normative and Legal Pluralism”, in *Duke Journal of Comparative and International Law*, 2010, vol. 20.



شماره مسلسل: ۱۴۳۲۱

مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: قانون آینده و آینده قانون (۲) (جهانی شدن و قانون: تزه‌های ده گانه)

نام دفتر: مطالعات بنیادین حکومتی (گروه آینده پژوهی)

تهیه و تدوین: حسن صالح نژاد

ناظر علمی: سیدیونس ادیانی

متقاضی: ریاست مرکز

ویراستار ادبی: قاسم میرخانی

واژه‌های کلیدی:

۱. قانون دانشگاهی

۲. جهانی شدن

۳. پلورالیسم حقوقی

۴. قانون غیررسمی

۵. تعاون و همزیستی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۴/۴/۸